

پزشکان و مشکلی به نام «جسمی سازی»

غلامحسین احمدزاده^۱، آزاده ملکیان^۲، محسن معروفی^۳

چکیده

بخش قابل توجهی از مراجعین به مراکز بهداشتی درمانی را افرادی تشکیل می‌دهند که از مشکلات روانی اجتماعی رنج می‌برند. بسیاری از این افراد از طرح مشکل خود به صورت واضح و بی‌پرده با پزشکان آگراه دارند و اغلب این مشکلات را در قالب علایم و شکایات جسمی غیر اختصاصی مطرح می‌کنند که با توجه به آن در ارزیابی‌های کلینیکی و پاراکلینیکی هیچ گونه یافته‌ای دال بر وجود یک بیماری طبی یافت نمی‌شود. از این پدیده در طب به عنوان جسمی سازی نام برده می‌شود. چرخه معیوبی که در اثر مراجعات مکرر این بیماران رخ می‌دهد، هزینه‌های هنگفتی را بر سیستم‌های درمانی تحمیل می‌کند و تأثیرات نامطلوب فراوانی را چه برای بیمار و چه کادر درمانی به دنبال خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: جسمی سازی، شکایات جسمی بدون علت طبی مشخص، اختلالات سوماتوفرم (شبه جسمی).

نوع مقاله: مروری

دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۴

پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۶

جسمی سازی را تمایل به تجربه و بیان ناراحتی‌های روانی در قالب علایم جسمی تعریف کرده‌اند. بیمار جسمی ساز در اغلب موارد به عنوان یک فرد مبتلا به یک بیماری جسمی و نه یک مشکل روانی اجتماعی به پزشک مراجعه می‌کند؛ در صورتی که هیچ گونه یافته‌ای دال بر وجود یک بیماری طبی مشخص در وی وجود ندارد (۱).

افراد دچار مشکلات روانی - اجتماعی بخش قابل توجهی از مراجعین به مراکز بهداشتی درمانی را تشکیل می‌دهند (۲، ۳). این افراد به ندرت مشکلات خود را به صورت واضح و مستقیم با پزشکان مطرح می‌نمایند و بسیاری از آن‌ها از ترس خوردن برچسب اختلال روانی تمایل به بیان این مشکلات در پوششی از علایم جسمی دارند (۴). در واقع علایم جسمی بلیط ورودی «Entry ticket» فرد به مطب پزشکان است (۵). این تصور غلط که بیماری تنها محدود به

۱- دانشیار، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، گروه روان‌پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: ahmadzadeh@med.mui.ac.ir

۲- روان‌پزشک، مرکز تحقیقات اختلالات روان تنی (سایکوسوماتیک)، دانشگاه علوم پزشکی، اصفهان، ایران.

۳- دانشیار، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، گروه روان‌پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

نسبی پدیده جسمی سازی در آسیا و آفریقا در مقایسه با آمریکای شمالی در پاره‌ای مطالعات این موضوع باشد (۱۱).

در مطالعه‌ای که به صورت مقایسه‌ای بین بیماران مراجعه کننده به درمانگاه روان پزشکی مرکز خورشید اصفهان با مراجعین به درمانگاه‌های داخلی و پوست از نظر تعداد شکایات جسمی و با استفاده از معیار سنجش سوماتیک Bradford انجام شد، میزان شکایات جسمی در کل و شکایاتی مانند خستگی عمومی، طپش قلب و دردهای مفصلی عضلانی در بیماران مراجعه کننده به درمانگاه روان پزشکی بیشتر بود (۱۲).

زنان، سالمندان، افراد با سابقه بیماری‌های مختلف در والدین‌شان و یا اشخاص محروم از مراقبت‌های مناسب در کودکی و مبتلایان به اختلالات روانی بالاخص اضطراب و افسردگی و طبقات پایین اجتماعی - اقتصادی از ریسک بالاتری برای جسمی سازی برخوردارند (۱۳، ۱۴).

در بین اختلالات روانی مختلف افسردگی، اضطراب و خود اختلالات سوماتوفرم دارای بالاترین میزان تظاهرات جسمی در بیماران مبتلا هستند. اگر چه هیچ گونه شکایت جسمی خاصی پیش‌بینی کننده احتمال وجود اختلال روانی در بیماران با تابلو شکایات جسمی غیر اختصاصی نیست، ولی افزایش تعداد و تنوع شکایات جسمی به خصوص در مواردی که بیمار بیش از ۵ شکایت مختلف دارد، سیر مزمن و عود کننده شکایات، سابقه مصرف داروهای مختلف و در عین حال عدم پاسخ مناسب به داروها و حتی بروز عوارض جانبی نامعمول و تحمل نکردن دارو از مهم‌ترین فاکتورهای پیش‌گویی کننده وجود اختلال روانی به عنوان زمینه‌ساز جسمی سازی در بیماران می‌باشد (۹). رابطه بین تعداد شکایات با میزان بیشتر اختلال عملکرد بیمار در حیطه‌های شغلی و اجتماعی و مراجعه بیش از حد مورد نیاز به سرویس‌های بهداشتی درمانی نیز در پاره‌ای تحقیقات مطرح شده است (۱۵، ۱۶).

همان طوری که ذکر شد، مشکلات روانی اجتماعی و به خصوص اختلالات روانی شایعی مانند افسردگی یکی از

وجود ارتقای امکانات مراقبت‌های بهداشتی درمانی گزارش نموده‌اند (۸، ۷). گروهی معتقدند که گسترش خدمات به خصوص در حیطه پاراکلینیک و کشف موارد مثبت کاذب در ارزیابی‌های پاراکلینیک این بیماران یکی از عوامل افزایش تعداد این بیماران نسبت به گذشته می‌باشد، در واقع در حین بررسی این بیماران ممکن است تا مواردی به صورت تصادفی چه در معاینه فیزیکی و چه در ارزیابی پاراکلینیک یافت شوند که با توجه به نداشتن ارتباط فیزیوپاتولوژیکی با شکایات جسمی بیمار موجب تداوم مراجعات این گونه بیماران شود. به عنوان مثال یافته‌های آزمایشگاهی به نفع یک کم‌کاری تیروئید ساب‌کلینیکال در بیماری که شکایات جسمی متعدد دارد و یا شنیدن یک سوفل قلبی فانکشنال در بیماری که با درد قفسه صدی غیر قلبی و شکایات دیگر مراجعه نموده است. از این موارد به عنوان «Incidentaloma» نام برده می‌شود (۹).

اگر چه مطالعات مختلفی پدیده جسمی سازی را منحصر به فرهنگ یا جامعه خاصی ندانسته‌اند و تنها تفاوت را در نحوه بیان علائم و معنای سمبولیک پاره‌ای علائم در جوامع مختلف دانسته‌اند (۱۰).

ولی مطالعات دیگری شیوع آن را در جوامعی که از نظر فرهنگی بیان مشکلات هیجانی و مسایل زندگی روزمره به خصوص در روابط بین فردی به صورت واضح و بی‌پرده چندان پذیرفته شده نیست، را بیشتر دانسته‌اند. در واقع هر چه زبان روان‌شناختی در افراد کمتر به کار رود، تمایل به استفاده از زبان بدن «Body language» بیشتر می‌شود. در جوامع غربی بسیاری از افراد حتی در مقابل چشم هزاران بیننده تلویزیون شخصی‌ترین مسایل زندگی و احساسات‌شان را در این رابطه بیان می‌کنند؛ در صورتی که در فرهنگ‌های شرقی حجب و حیا و سایر خصلت‌های فرهنگی - اجتماعی مانع از چنین اقدامی می‌شود و حتی در مواردی با سرکوب کردن عواطف و هیجانات ناشی از کشمکش‌های روانی - اجتماعی موجود در زندگی روزمره آن‌ها را به صورت غیر مستقیم و به شکل علائم جسمی بیان می‌کنند. شاید یکی از علل افزایش

پزشک صحبتی از استرسور ایجاد کننده اختلال و علایم روان‌شناختی ناشی از آن نکنند (۲۲، ۹).

شاید اصلی‌ترین مصداق جسمی‌سازی اختلالات روانی را بتوان در گروه اختلالات شبه جسمی (سوماتوفرم) موجود در تقسیم‌بندی‌های فعلی اختلالات روانی یافت.

در DSM IV-TR این اختلالات شامل چند نوع بیماری مختلف می‌باشد که وجه مشترک آن‌ها جسمی‌سازی ناخودآگاه مشکلات روانی-اجتماعی می‌باشد. این گروه شامل اختلال سوماتیزیشن، اختلال تبدیلی، اختلالات درد، خودبیمارانگاری، اختلال بدشکلی بدن و اختلالات شبه جسمی غیر متمایز و اختلالات شبه جسمی می‌باشد که به شکل دیگری قابل طبقه‌بندی نیستند. در بین این گروه هتروژن شناخت شده‌ترین، شدیدترین و مزمن‌ترین نوع اختلالات سوماتوفرم اختلال سوماتیزیشن است. معیارهای تشخیصی این اختلال در حال حاضر وجود شکایات جسمی متعدد شامل حداقل چهار شکایت از درد در سرتاسر و نواحی مختلف بدن، دو شکایت از علایم گوارشی، یک شکایت از دستگاه تناسلی ادراری و یک شکایت از علایم عصب شناختی کاذب است (۲۳). از ابتدای ورود اختلالات شبه جسمی به طبقه‌بندی اختلالات روانی در DSM III اختلاف نظرهایی در مورد اعتبار و پایایی تشخیصی و تحقیقی این اختلالات وجود داشته است و بسیاری از صاحب‌نظران اظهار نظرهای انتقادی فراوانی به تقسیم‌بندی و ملاک‌های تشخیصی این اختلالات دانسته‌اند و خواستار تجدید نظر در این موارد شده‌اند (۲۴). از نظر ملاک‌های تشخیصی فعلی اختلالات شبه جسمی در زمانی تشخیص داده می‌شوند که علایم، اگر چه تابلو یک بیماری جسمی را تقلید می‌کند، ولی هیچ‌گونه شواهدی دال بر وجود یک بیماری طبی در بیمار نباید وجود داشته باشد و از طرفی نیز این علایم نباید ثانویه به یک اختلال روانی دیگر باشد. این در حالی است که همراهی اختلالات روان‌پزشکی مانند افسردگی و اضطراب با اختلالات شبه جسمی بسیار شایع است و همان طوری که مطرح شده، وجود تابلو جسمی در افسردگی و اضطراب بسیار شایع است.

شایع‌ترین علل مراجعه بیماران به پزشکان می‌باشد. اختلالات روانی همیشه از نظر میزان ناتوانی و بار بیماری جزء بالاترین میزان ناتوانی در بین بیماری‌های مختلف بوده‌اند. در جدیدترین پیش‌بینی سازمان بهداشت جهانی بار بیماری افسردگی از سال ۲۰۰۲ به سال ۲۰۳۰ میلادی در کشورهای توسعه یافته از رتبه چهارم به رتبه نخست و در کشورهای در حال توسعه از رتبه چهارم به رتبه دوم پس از ابتلا به ایدز می‌رسد (۱۷). در ایران بار بیماری‌های روانی و اختلالات روانی رفتاری پس از حوادث عمدی و غیر عمدی، رتبه دوم را در سال ۱۳۸۲ به دست آورده است (۱۸).

در بین ۱۴ کشور مختلف میزان افسردگی با تظاهرات جسمی بین ۴۵ تا ۹۵ درصد گزارش شده است (۱۹). در مطالعه‌ای در اصفهان نیز یکی از شایع‌ترین شکایات اصلی بیماران مبتلا به اختلال افسردگی ماژور شکایات جسمی و در رأس آن سردرد بوده است که در زنان، افراد با تحصیلات پایین‌تر و سالمندان بیشتر از سایرین گزارش شد (۲۰).

می‌توان حدس زد که وجود تابلو جسمی‌سازی در اختلالات روانی شایعی مانند افسردگی به چه میزان می‌تواند در عدم شناخت یا تأخیر در تشخیص و درمان این گونه اختلالات مؤثر باشد و موجب افزایش بیشتر بار این بیماری‌ها شود (۲۱).

۵۰-۴۰ درصد از بیماران مبتلا به شکایات جسمی غیر اختصاصی دچار اضطراب می‌باشند. وجود علایم جسمی ناشی از تحریک سیستم اتونوم پدیده شایعی در اختلالات اضطرابی است و بیماران در مراجعاتشان به پزشکان در بسیاری از موارد بیشتر تأکید بر این گونه علایم دارند، تا احساس ذهنی و علایم روان‌شناختی اضطراب به خصوص آن دسته از علایمی که در حیطه مستقیم قلبی عروقی هستند و از نظر بیمار اهمیت حیاتی بیشتری دارند.

از بین اختلالات اضطرابی بسیاری از بیماران مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه (PTSD یا Post traumatic stress disorder) به طور عمده از شکایات جسمی، به خصوص دردهای مزمن شاکی‌اند و ممکن است تا مدت‌ها با

می ماند و حتی احتمال مراجعات بی مورد این گونه بیماران نیز بیشتر می شود و امکان کشف اختلالات روانی همراه با علائم جسمی کمتر می شود و صرف ترس از استیگما و برچسب خوردن نمی تواند دلیل موجهی برای این اقدام باشد. البته بسیاری از این افراد به ضعف های موجود در معیارهای تشخیصی اختلالات سوماتوفرم در طبقه بندی های موجود معترف اند و با توجه به هتروژن بودن بیماران سوماتوفرم پیشنهاداتی را برای تشخیص هر چه بیشتر موارد ساب کلینیکال و اسکرین کردن اختلالاتی مانند اضطراب و افسردگی در بین این بیماران دارند (۳۱-۲۹، ۲۴).

آن چه مسلم است، بیماران جسمی ساز از نظر اغلب پزشکان و حتی روان پزشکان جزء بیماران مشکل (Difficult patients) قلمداد می شوند و بسیاری از پزشکان از درمان این گونه بیماران احساس عجز می کنند. این مسأله حتی در مورد پزشکانی که در این زمینه آموزش دیده بودند، نیز صادق است. این پزشکان هم تمایل بیشتری به درمان بیماران جسمی ساز با روش های درمان جسمی و از جمله تجویز دارو داشته اند. این احتمال وجود دارد که پزشکان در ابتدا برای تحکیم رابطه درمانی مناسب با بیمار جسمی ساز ابتدا با درمان های جسمی آغاز می کنند و بعد به تدریج با آمادگی بیشتر بیمار، پیشنهاد درمان های روانی اجتماعی را می دهند. از سوی دیگر این احتمال نیز وجود دارد که پزشک در مقابل شکایات جسمی تکراری بیمار واکنشی به صورت کنترل ترانسفرانس منفی داشته باشد و بالطبع به صورت ناخودآگاه تمایل به ارزیابی مجدد شکایات جسمی بیمار داشته باشد (۳۳، ۳۲).

در مقایسه بین بیماران جسمی ساز با بیمارانی که شکایات روان شناختی مراجعه می کنند، گروه دوم بیشتر احتمال دارد که درمان های مناسب از جمله روان درمانی را دریافت نماید. در یک مطالعه در آلمان تنها ۳۱ درصد از بیمارانی که از اختلالات عاطفی و هیجانی رنج می بردند، تحت درمان با مداخلات روانی - اجتماعی قرار گرفتند و تنها ۹/۵ درصد از آن ها برای روان درمانی ارجاع شده بودند (۳۴).

انتقاد دیگر به فاصله موجود بین شکایات فیزیکی بدون علت طبی مشخص که بسیاری از اوقات از نظر پزشکان و کادر درمانی کم اهمیت تلقی می شود، از یک سو و ادراک بیمار از این علائم از نظر هیجانی، شناختی و رفتاری به صورت درد یا یک علامت جسمی واقعی از سوی دیگر است که لازم است ملاک های تشخیصی به نحوی تغییر یابد که فاصله بین تصور سطحی بودن و کم اهمیت تلقی شدن علائم بیمار از طرف کادر درمانی و احساس و تنش شدید بیمار از سوی دیگر به حداقل برسد (۲۶، ۲۵).

بیماران مبتلا به اختلالات شبه جسمی بیشتر از روان پزشکان به پزشکان عمومی و سایر متخصصین مراجعه می کنند، عده ای معتقدند که مطرح کردن مشکل جسمی سازی به عنوان اختلالی در محور یک موجب می گردد که این بیماران بیشتر به بخش های ارایه دهنده خدمات بهداشت روان ارجاع شوند و جنبه های مدیکال آنان کمتر مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس آن دسته از صاحب نظرانی که دیدگاه های رادیکال تری در این رابطه داشته اند، پیشنهاد حذف اختلالات سوماتوفرم را از تقسیم بندی اختلالات روانی در DSM V داده اند و معتقدند که آن دسته از اختلالات سوماتوفرم را که می توان با سایر اختلالات محور I و II توجیه کرد، تحت عنوان همان اختلالات مانند افسردگی یا اضطراب مطرح شوند و سایر موارد به همراه سندرم هایی که از نظر طبی توجیه مشخصی ندارند، مانند سندرم خستگی مزمن و یا روده تحریک پذیر در یک گروه ادغام شوند و تحت عنوان اسامی پیشنهادی مانند Somatic symptom disorder یا Physical symptom disorder در یک گروه و در محور III مطرح شوند. طرفداران این دیدگاه معتقدند این کار موجب می شود که بیمار بدون ترس از برچسب خوردن اختلال روانی با سهولت بیشتری بتواند به مراکز بهداشتی و درمانی مراجعه نماید (۲۸، ۲۷، ۲۵).

مخالفین دیدگاه فوق معتقدند که این اقدام تنها یک تغییر نام است، ولی محتوا و مشکل اصلی به قوت خود باقی

نحوی که پذیرش تشخیصی اختلالات شبه جسمی در آلمان برای بیماران قابل قبول تر بوده است (۳۸، ۳۷، ۵). متأسفانه تاکنون در کشور ما توجه چندانی به آموزش این مقوله چه در دوره آموزشی پزشکان عمومی و چه در بازآموزی‌های مختلف نشده است و شاید برای اولین بار یک مقاله بازآموزی برای پزشکان در این رابطه در دست انتشار باشد (۳۹). در مجموع با توجه به تأثیرات سوء شکل جسمی‌سازی بر کیفیت زندگی بیماران و تحمیل هزینه‌های سنگین ناشی از اقدامات تشخیصی و درمانی بی‌مورد بر بودجه‌های بهداشتی و درمانی و بروز عوارض ایاتروژنیک ناشی از این گونه اقدامات ضرورت پرداختن به این موضوع را بیش از پیش می‌کند (۴۰، ۴۱).

آموزش نحوه برخورد با این بیماران و نحوه اداره کردن بیمار به خصوص برای پزشکان عمومی در اغلب مطالعات نتایج مثبتی را به دنبال داشته است و موجب تأثیر قابل توجهی در بهبودی بیمار و کاهش علایم و بهتر شدن عملکرد وی شده است و در عین حال اعتماد به نفس پزشکان نیز در مواجهه با این گونه بیماران بیشتر می‌شده است (۳۶، ۳۵).

آلمان کشور پیشتاز در زمینه آموزش‌های روانی-اجتماعی به پزشکان می‌باشد که از سال ۱۹۸۷ این موضوع را در برنامه آموزشی پزشکان عمومی گنجانده، از سال ۱۹۹۴ نیز به عنوان یک برنامه آموزشی تأیید شده استاندارد اجرا نموده است. حمایت سازمان‌های بیمه‌گر از هزینه‌های این گونه مراقبت‌ها موجب گسترش و کاربرد هر چه بیشتر این گونه درمان‌ها شده است، به

References

1. Lipowski ZJ. Somatization: the concept and its clinical application. *Am J Psychiatry* 1988; 145(11): 1358-68.
2. Verhaak PF, Tjhuis MA. Psychosocial problems in primary care: some results from the Dutch National Study of Morbidity and Interventions in General Practice. *Soc Sci Med* 1992; 35(2): 105-10.
3. Ormel J, VonKorff M, Ustun TB, Pini S, Korten A, Oldehinkel T. Common mental disorders and disability across cultures. Results from the WHO Collaborative Study on Psychological Problems in General Health Care. *JAMA* 1994; 272(22): 1741-8.
4. Bridges KW, Goldberg DP. Somatic presentation of DSM III psychiatric disorders in primary care. *J Psychosom Res* 1985; 29(6): 563-9.
5. Gulbrandsen P, Fugelli P, Hjortdahl P. Psychosocial problems presented by patients with somatic reasons for encounter: tip of the iceberg? *Fam Pract* 1998; 15(1): 1-8.
6. Page LA, Wessely S. Medically unexplained symptoms: Exacerbating factors in the doctor-patient encounter. *J R Soc Med* 2003; 96(5): 223-7.
7. Peveler R, Kilkeny L, Kinmonth AL. Medically unexplained physical symptoms in primary care: A comparison of self-report screening questionnaires and clinical opinion. *J Psychosom Res* 1997; 42(3): 245-52.
8. Kawanishi Y. Somatization of Asians: An artifact of Western medicalization. *Transcultural Psychiatry* 1992; 29(1): 5.
9. Kroenke K, Rosmalen JG. Symptoms, syndromes, and the value of psychiatric diagnostics in patients who have functional somatic disorders. *Med Clin North Am* 2006; 90(4): 603-26.
10. Simon G, Gater R, Kisely S, Piccinelli M. Somatic symptoms of distress: an international primary care study. *Psychosom Med* 1996; 58(5): 481-8.
11. Pennebaker W. Cultural similarities and differences regarding emotion disclosure. *Emotion, disclosure, and health*. New York: American Psychological Association; 1995. p. 293-309.
12. Mobarki GH, Ahmadzadeh GH, Shishehforonsh SH. Sommatization among Iranian psychiatric patients. *Actas Espanola's de Psiquiatri* 2001; 29(1): 125.
13. Khan MM. Medically unexplained symptoms. *Pakistan Journal of Neurological Science* 2007; 2(3): 3-6.
14. Nimnuan C, Hotopf M, Wessely S. Medically unexplained symptoms: An epidemiological study in seven specialities. *J Psychosom Res* 2001; 51(1): 361-7.

15. Kroenke K, Spitzer RL, Williams JB, Linzer M, Hahn SR, deGruy FV, III, et al. Physical symptoms in primary care. Predictors of psychiatric disorders and functional impairment. *Arch Fam Med* 1994; 3(9): 774-9.
16. Jackson J, Fiddler M, Kapur N, Wells A, Tomenson B, Creed F. Number of bodily symptoms predicts outcome more accurately than health anxiety in patients attending neurology, cardiology, and gastroenterology clinics. *J Psychosom Res* 2006; 60(4): 357-63.
17. World Health Organization. Policies and practices for mental health in Europe. Geneva: World Health Organization; 2008
18. Naghavi M. National study of burden of disease and injury. Proceeding of the International Congress of Health Deputy of Ministry of Health and Medical Education; 2003; Tehran, Iran. 2007.
19. Simon GE, VonKorff M, Piccinelli M, Fullerton C, Ormel J. An international study of the relation between somatic symptoms and depression. *N Engl J Med* 1999; 341(18): 1329-35.
20. Ahmadzadeh GH, Masodzadeh A. The major complaints in depression. *Journal of Isfahan Medical School* 1997; 46: 61-6. [In Persian].
21. Kirmayer LJ, Robbins JM, Dworkind M, Yaffe MJ. Somatization and the recognition of depression and anxiety in primary care. *Am J Psychiatry* 1993; 150(5): 734-41.
22. Elderkin-Thompson V, Cohen Silver R, Waitzkin H. Narratives of Somatizing and Non somatizing Patients in a Primary Care Setting. *J Health Psychol* 1988; 3(3): 407-28.
23. American Psychiatric Association, American Psychiatric Association. Diagnostic and statistical manual of mental disorders. 4th ed. Washington, DC: American Psychiatric Association; 2000.
24. Janca A. Rethinking somatoform disorders. *Current Opinion Psychiatry* 2005; 18(1): 65-71.
25. Rief W, Sharpe M. Somatoform disorders-new approaches to classification, conceptualization, and treatment. *J Psychosom Res* 2004; 56(4): 387-90.
26. Wise TN, Birket-Smith M. The somatoform disorders for DSM-V: The need for changes in process and content. *Psychosomatics* 2002; 43(6): 437-40.
27. Sykes R. Somatoform disorders in DSM-IV: Mental or physical disorders? *J Psychosom Res* 2006; 60(4): 341-4.
28. Fink P, Rosendal M, Olesen F. Classification of somatization and functional somatic symptoms in primary care. *Aust N Z J Psychiatry* 2005; 39(9): 772-81.
29. Levenson JL. A rose by any other name is still a rose. *J Psychosom Res* 2006; 60(4): 325-6.
30. Kroenke K. Physical symptom disorder: A simpler diagnostic category for somatization-spectrum conditions. *J Psychosom Res* 2006; 60(4): 335-9.
31. Starcevic V. Somatoform disorders and DSM-V: Conceptual and political issues in the debate. *Psychosomatics* 2006; 47(4): 227-81.
32. Salmon P, Humphris GM, Ring A, Davies JC, Dowrick CF. Why do primary care physicians propose medical care to patients with medically unexplained symptoms? A new method of sequence analysis to test theories of patient pressure. *Psychosom Med* 2006; 68(4): 570-7.
33. Kerwick S, Jones R, Mann A, Goldberg D. Mental health care training priorities in general practice. *The British Journal of General Practice* 1997; 47(417): 225-7.
34. Verhaak PF, Wennink HJ. What does a doctor do with psychosocial problems in primary care? *Int J Psychiatry Med* 1990; 20(2): 151-62.
35. Goldberg D, Gask L, O'Dowd T. The treatment of somatization: teaching techniques of reattribution. *J Psychosom Res* 1989; 33(6): 689-95.
36. Kaaya S, Goldberg D, Gask L. Management of somatic presentations of psychiatric illness in general medical settings: evaluation of a new training course for general practitioners. *Med Educ* 1992; 26(2): 138-44.
37. Fritzsche K, Larisch A, Cierpka M, Wirsching M. Improving the Biopsychosocial Competence of German Primary Care Physicians in Diagnosing and Treating Somatoform Disorders. *Families, Systems, & Health* 2004; 22(3): 352-63.
38. Fritzsche K, Sandholzer H, Brucks U, Cierpka M, Deter HC, Harter M, et al. Psychosocial care by general practitioners--where are the problems? Results of a demonstration project on quality management in psychosocial primary care. *Int J Psychiatry Med* 1999; 29(4): 395-409.
39. Ahmadzadeh GH, Afshar H. Patient with medically unexplained physical complaints. [In Press]. *Journal of Isfahan Medical School* 2012. [In Persian].

40. Bass CH, Peveler R, House A. Somatoform disorders: severe psychiatric illnesses neglected by psychiatrists. *The British Journal of Psychiatry* 2001; 179(11): 4.
41. Fink P. The use of hospitalizations by persistent somatizing patients. *Psychol Med* 1992; 22(1): 173-80.



Physicians and a common problem named "somatization"

GHolamhossein Ahmadzadeh¹, Azadeh Malekian², Mohsen Maroufi³

Abstract

A significant proportion of the patients referred to health services are people who have some psychosocial problems.

Many of these patients cannot explain their problem obviously and prefer to express them as nonspecific somatic and bodily symptoms; although there are no definite clinical and laboratory findings about any specific medical disease.

This phenomenon named "somatization".

Recurrent visits of these cases in outpatient clinics or hospitals and the vicious cycle of unnecessary investigations that reinforce "sick role" and somatic complaints, cause many problems for the patients, as well as the physicians and health services.

Keywords: Somatization, Medically unexplained symptoms, Somatoform disorders.

Type of article: Review article

Received: 25.12.2011

Accepted: 25.2.2012



1. Associate Professor, Behavioral Sciences Research Center, Department of Psychology, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

Email: ahmadzadeh@med.mui.ac.ir

2. Psychiatrist, Psychosomatic Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

3. Associate Professor, Behavioral Sciences Research Center, Department of Psychology, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.